

## گزارشی از برگزاری مجلس یاد بود " صمد بهرنگی " و کشتار زندانیان سیاسی سال 67 ایران

بگذار نخست بخشی از نوشته ی بزرگترین و محبوبترین شاعر انقلابی ایران در مورد صمد را زیب این گزارش نموده ، بعدا جریان برنامه به مناسبت چهلمین سالگرد جانباختن صمد بهرنگی و به مناسبت بیستمین سالگرد جانباختن زندانیان سیاسی در جریان کشتار تابستان ۶۷ را پیشکش تان نمایم.

### بشیر نبی

( تورتو - ۸ سپتمبر ۲۰۰۸ )

بزرگترین شاعر انقلابی ایران و جهان ( شاملو ) در بخشی از نوشته اش تحت عنوان " ای کاش این هیولا هزار سر می داشت ! " [ ۲ شهریور ۱۳۵۱ - مندرجه « ویژه صمد بهرنگی » - از انتشارات چریکهای فدایی خلق ایران ] در مورد صمد بهرنگی چه خوب نوشته :

« صمد چهره ی حیرت انگیز تعهد بود . - تعهدی که به حق می باید با مضاف غول و هیولا توصیف شود : غول تعهد ! هیولای تعهد!

چرا که هیچ چیز در هیچ دوره و زمانه یی همچون " تعهد روشنفکران و هنر مندان جامعه " خوف انگیز و آسایش برهم زن و خانه خراب کن کژی ها و کاستی ها نیست . چرا که تعهد اژدهایی است که گرانبها ترین گنج عالم را پاس می دارد : گنجی که نامش آزادی و حق حیات ملت هاست .

و این اژدها ی پاسدار ، می باید از دست رس مرگ دور بماند تا این گنج عظیم را از دست رس تاراجیان دور بدارد ؛ می باید اژدهایی باشد بی مرگ و بی آشتی ، و بدین سبب می باید هزار سر داشته باشد و یک سودا ؛ اما اگر یک سرش باشد و هزار سودا ، چون مرگ بر او بتازد ، گنج ، بی پاسدار می ماند .

صمد سری از این هیولا بود . و کاش ... کاش این هیولا ، از آن گونه سر ، هزار میداشت ؛ هزاران می داشت .»

### حال فشرده یی از محفل ...

محفل پرشکوه ای ( بتاريخ ۷ سپتمبر ۲۰۰۸ ) بخاطر چهلمین سالگرد جان باختن صمد بهرنگی و به مناسبت بیستمین سالگرد جان باختن زندانیان سیاسی در جریان کشتار تابستان ۶۷ از جانب " کانون اندیشه و هنر " و " فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در سالن کتابخانه مرکزی نورت یارک تورتو " برگزار گردید . در این گردهمایی پر شکوه اضافه از سه صد و پنجاه (۳۵۰) نفر اشتراک کرده بودند .

\* - نخست سرود انترناسیونال نواخته شد. به احترام این سرود، حاضرین از جایشان بلند شدند. بعد از پایان سرود حضار دو باره بر چوکی هایشان نشستند. سرود جهانی کارگران ( انترناسیونال که از ساخته های « اوژین پوتیه » کارگر مبارز کمون پاریس که خود در جوشا جوش جنک طبقاتی ( کمون پاریس ) کشته شد ، بوده ؛ چنان بر حاضرین اثر نمود که سرود را با آواز شان همراهی کردند ( منهای دو یا سه تنی که در نقش تابلو کننده ی سرود ، دست شانرا از روی ریا تکان می دادند )

\* - هنرمند مردمی بچی خزاینه به نواختن قانون مشغول شد . صدای دلپذیر این آله موسیقی بر شنونده ها چنان اثر گذاشت که همه برایش کف زدند.



بچی خزاینه حین اجرای موسیقی قانون

\* - به تعقیب آن سهیلا دهماسی در رابطه با نگاشته ای تحت عنوان ( " قصه صمد هنوز به پایان نرسیده است ... " ) صحبت نمود . سخنران مبارز بر سایه روشن هایی از زندگی این نویسنده کمونیست (صمد بهرنگی ) در جریان کار و بار فرهنگی و انقلابی اش تماس گرفت که توجه حاضرین را جلب نمود . و با کف زدن های ممتد شنونده ها صحبت آگاهگرانه اش به پایان رسید.

\* - در بخش موسیقی هنرمند پیانیست از باکو : والیدا یعقوب وا ، هنرمند آزادیخواه فریدون فرهی را همراهی کرد که هر دو هنرمند ، با ابراز احساسات شنونده ها مواجه شدند .

\* - سخنران بعدی کبیر توخی یک تن از کمونیست های مبارز و زندانی سیاسی در دوره اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم شوروی ؛ بود . وی از متن نگاشته اش زیر عنوان « **بخاطر چهلمین سالگرد جان باختن صمد بهرنگی** » [ که شامل خاطراتش از ایران - سال ۱۳۵۰ - در رابطه با مصادره " بانک صادرات " توسط چریکهای خلق ایران ؛ نظر شماری از ایرانی ها در مورد صمد و یکی دو خاطره ی دیگری باشد ] بخشهایی آنرا در این محفل قرائت نمود که با کف زدن های ممتد و استقبال گرم و پر شور حاضرین مواجه گردید.



سخنران ( رفیق کبیر توخی)

توخی ضمن صحبت های پرشورش از اشاعه نظرات انقلابی صمد در میان طیف چپ و آزادیخواهان افغانستان تذکراتی داده از دو تن زندانی سیاسی آزادیخواه در زندان پلچرخ که در سالن حضور داشتند [ گزارشگر ( بشیر نبی ) و معلم صاحب رسول که در سالهای ۱۳۵۷ خورشیدی آثار صمد از جمله " ماهی سیاه کوچلو" را مطالعه کرده بود ؛ ] نام گرفت .

\*- در پی آن هنرمند محبوب و پر آوازه ایران ( خانم گیسو شاکری آواز خوان معترض تبعیدی - سوئد ) بر روی سننیز برآمد . و با تمکین و وجاهت خاصی اشعار انقلابی را با آواز بسیار جذاب اش دکلمه کرد و بعداً اشعار را با آواز گیرا و دلپذیرش خواند . حاضرین ابراز احساسات نموده با کف زدند های پیهم وی را همراهی کردند . آواز بسیار شفاف ، بلند و پر جاذبه این زن آزادیخواه چنان فضای شور و هیجان رزمی را برتالار مسلط ساخت ، تو گویی همه با هم ، با تمام جان و ایمانشان در یک نبرد رویا روی بارزیم خون آشام جمهوری اسلامی قرار دارند .



هنرمند آزادیخواه و آواز خوان مشهور ایران  
خانم ( گیسو شاکری )

\*- بعداً حسین افصحی یکی از کارگردانان و هنرمندان آزادیخواه تبعیدی در مورد صمد سخنرانی نمود. بعضاً شور و کف زدن های مهمانان ، سخنرانی این هنرمند را دچار وقفه می نمود .

\*- بخاطر نمایش ویدئو " صمد در قلب من است " پرده سپید سینما به طور اتوماتیکی بر روی دیوار ستیز که با شعار های بزرگ « زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیزم » و شعار : « به یاد تمامی جانبختگان راه آزادی و سوسیالیزم » مزین شده بود ؛ کشیده شد. محتوای این نمایش را زنده گی صمد و تأثیر نوشته های بی مثالش بر مردم و انقلاب ایران تشکیل می داد .

\*- نمایش متعاقب آن نیز ویدئویی بود تحت عنوان « به یاد جانبختگان دهه ۶۰ ». در این نمایش فوتو های اعدام شده گان در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی ایران نشان داده شد که شدیداً هول انگیز و خشم آفرین بود . اگر از یکطرف فقر و تنگدستی و ستم و استثمار توده ها و کار فزیکو فرزندان و کودکان خردسال شان را در مرکز دید بیننده می گذاشت ؛ از جانبی دیگر شکنجه و زندان و اعدام فرزندان و نوباوه گان توده ها را پیش چشم تماشاگران طوری قرار می داد که دل سنگ دلترین فرد را به تپش می کشید .

\*- سارا نیکو یک تن از فعالین ( "اتحاد زنان آزادیخواه " ) پیام نماد مبارزه و مقاومت ایران رفیق اندیشمند اشرف دهقانی را به مناسبت یادمان بیستمین سالگرد جانبختگان قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و دهه ۶۰ قرائت نمود که با کف زدن های شور انگیز حضار مواجه گردید .

\*- هنرمند پیاپیست از باکو : پرویز علی اف با پنجه های حساس بر انگیزش (فریدون فرهی) را در آواز خواندش همراهی می کرد . این مرد آزادیخواه با وجود سن زیاد تار های صوتی هنجره اش را حفظ نموده و درد مردم را با آواز بلند و گیرایش - با اجرای ترانه های به زبان ترکی - چنان فریاد کرد که حضار هیجان زده را به تحسین واداشت .

\*- نمایش ویدئویی " باز جوی عزیز " با هنر مندی حسین افصحی و هادی خرسندی ( طنز نویس پر آوازه ایران ) تماشاچیان را مبهوت و حیرت زده ساخت . متن گپ و گفت مستتق ( بازجو ) رژیم جمهوری اسلامی در شکنجه گاه زندان با زندانی ، در ظاهر شکل طنز داشت ، در اصل واقعیت هایی را به تمثیل می کشید که در هر سلول زندان ، گریبان مستنطقین و جلادان مزدور را گرفته ، چشمان شانرا از شدت بهت و حیرت و هول و هراس از حذقه در آورده و چهره شان را در حالت ذلت و نا امیدی و سقوط ؛ بسیار دیدنی ساخته بود. مکالمه مستنطق و زندانی در اخیر پیامی داشت در خور ستایش . جا دارد که طی نگاشته ای به تقریظ این اثر افشاگر رژیم خون و خیانت و رذالت پرداخت

\*- در خاتمه باز هم خانم هنرمند و هنر آفرین و مبارز و بسیار شجاع ایران ( گیسو شاکری ) پیکر شعله ورش را بر روی ستیز کشاند . اگر بنویسم قیامتی بر پا کرد ، با صیغه مبالغه ، افاده مطلب نکرده ام . مجموع حرکات موزون این هنرمند آزادیخواه در واقع بیانگوی بخشهای از درد و رنج و فقر و بدبختی مردمش بود . این هنر مند بی همتا ، ندای به غل و زنجیر بستگان ؛ صدای زندانیان سیاسی در زیر شکنجه و در انتظار اعدام ؛ آواز ستم دیدگان مظلوم ایران ؛ فریادی به پا خاستگان به خاطر آزادی و برابری انسان ؛ نعره ی آتشین حماسه سیاهکل و ... و... را چنان فریاد کرد که در چشم های روشن بین اکثر مهمانان اشک نفرت و خشم و انتقام از رژیم آخوند های منفور کشور شان حلقه بست . صدای گریه ی شماری از مهمانان شنیده می شد که برای این زن هنرمند ، مبارز و آزادیخواه که از یک شهر به شهر دیگر و از یک کشور به کشور دیگر زحمت سفر را پذیرا شده ، غم و اندوه و ستمی که بر زنان و مردان سر زمینش ، از جانب رژیم منفور و متعفن جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیزم اعمال می شود را فریاد می کند ؛ خواهان پیروزی و سلامتشان شدند .

در پایان برنامه زمانی که این هنرمند از روی سٹیژ پائین می شد ، شماری از خانم ها به استقبالش شتافتند . خانم با حساس گیسو شاکری هنرمند آزادیخواه ایران و رحیمه توخی شاعر آزاده افغانستان به خاطر ظلم و ستمی که بر زنان افغانستان و ایران جاریست و به خاطر دوری از میهن گرامی شان (ایران و افغانستان)، همدیگر را به آغوش گرفته و با هم یکجا گریستند . P



میز کتاب "فعالین چریکهای فدایی خلق ایران" - کانادا